

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

دلنشین

دست ما و دامنت ای همنشین. نازنین
دلربای دلنشین
نیست در المان به مثلت ، عالمی ، حتا به چین
در دعا کردن بریزد اشک ، از چشمان تو
جان ما قربان تو
حاجت باران نباشد ، هیچ بر این سرزمین
دلربای دلنشین
کاسبی. بهتری داری ز هر پیر و جوان
در زمین و آسمان
نیست بهتر مسلکی از مسلکت ، بی بغض و کین
دلربای دلنشین
عاشقانت مرد و زن ، از نوجوان و هم ز پیر
خوشگلانت ، دستگیر
نقل. مجلس در میان کافران و مسلمین
دلربای دلنشین
نور. چشمی در میان جمله افغانیان
شرق و غرب این جهان
لیک از پسمانی. فکرت گریزان مؤمنین
دلربای دلنشین
در چنین عصری که عالم است ، در دست بشر
خیلی صاف و ساده تر
روز و شب در پیچ و تاب. کوچه اشک یقین
دلربای دلنشین

آرزوی تست تا بوسی دو دستِ مصطفا (ص)	بهترینِ انبیاء
آل و مالِ خود فدا سازی به وجهِ بهترین	دلربای دلنشین
آرزوی دیدنی ، با چشمِ خود ، روی خدا	بی شک و ریب و ریا
گر میسر شد ، بوَد این آرزوی آخرین	دلربای دلنشین
پرسشتم را از حضورت ، لاجوابی شد جواب	چون تویی اهلِ کتاب
ای به قربانِ کتابِ بیحسابت ، علم و دین	دلربای دلنشین
سالها شد ، انتظارِ پرسشِ منظومِ تو	استخوانم ، مومِ تو
موی من خاکستری و صورتم شد پر ز چین	دلربای دلنشین
گه بهانه از جوانان و گهی داری ز پیر	گه ز دوغ و گه ز شیر
ترسِ من از سرکه و سیر و پیاز ، نه انگبین	دلربای دلنشین
در عروسی و نکاح و ختنه سوری ها و غیر	در تمامِ خیر و شر
هر کجا بینم که جایت در قطارِ اولین	دلربای دلنشین
در جنازه ، فاتحه ، تکفین و تدفین و دعا	با سزا و ناسزا
با دعا و اشکِ خود مرهمگذار آن و این	دلربای دلنشین
شمع سان ، در محفلِ تاریکِ مارخشنده ای	هر طرف تابنده ای
بال و پر سوزی ز هر پروانه با نورِ جبین	دلربای دلنشین
روز و شب «نعمت» ز دستت شکوه و آه و فغان	نزدِ هر خرد و کلان
تا بگیرد پاسخی از عالمِ بالا نشین	دلربای دلنشین